

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۰۱

آیه ۲۱-۲۳

آیه و ترجمه

ام لهم شركوا شرعوا لهم من الدين ما لم يأذن به الله و لو لا كلمة الفصل لقضى بينهم و ان الظلمين لهم عذاب اليم (۲۱)
 ترى الظلمين مشفقين مما كسبوا و هو واقع بهم والذين ءامنوا و عملوا الصلحت فى روضات الجنات لهم ما يشاءون عند ربهم ذلك هو الفضل الكبير (۲۲)
 ذلك الذى يبشر الله عباده الذين ءامنوا و عملوا الصلحت قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة فى القربى و من يقترب حسنة نزد له فيها حسنا ان الله غفور شكور (۲۳)

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۰۲

ترجمه :

۲۱ - آیا معبودانی دارند که آئینی برای آنها بی اذن خداوند تشریع کرده اند؟ اگر مهلت مقرری برای آنها نبود در میانشان داوری می شد (ودستور عذاب صادر می گشت) و برای ظالمان عذاب دردناکی است.
 ۲۲ - در آن روز ستمگران را می بینی که از اعمالی که انجام داده اند سخت بیمناکند، اما آنها را فرو می گیرد، اما کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند در بهترین باغهای بهشتند، و هر چه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنها فراهم است این است فضل بزرگ.
 ۲۳ - این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند به آن نوید می دهد، بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم و هر کس عمل نیکی انجام دهد بر نیکی اش می افزائیم، چرا که خداوند آمرزنده و شکرگزار است.

شان نزول:

در تفسیر مجمع البیان شأن نزولی برای آیات ۲۳ تا ۲۶ این سوره از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که حاصلش چنین

است:

هنگامی که پیامبر وارد مدینه شد و پایه‌های اسلام محکم گردید، انصار گفتند ما خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رسیم و عرض می‌کنیم: اگر مشکلات مالی پیدا شد این اموال ما بدون هیچگونه قید و شرط در اختیار تو قرار دارد، هنگامی که این سخن را خدمتش عرض کردند آیه قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی: «بگو من مزدی از شما در برابر رسالت جز محبت نزدیکانم نمی‌طلبم» نازل شد، و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر آنها تلاوت کرد سپس فرمود نزدیکان مرا بعد از من دوست دارید، آنها با خوشحالی و رضا و تسلیم از محضرش بیرون آمدند، اما منافقان گفتند این سخنی است که او بر خدا افترا بسته،

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۰۳

و هدفش این است که ما را بعد از خود در برابر خویشاوندانش ذلیل کند آیه بعد نازل شد ام یقولون افتری علی الله کذبا، و به آنها پاسخ گفت، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به سراغ آنان فرستاد و آیه را بر آنها تلاوت کرد، گروهی پشیمان شدند و گریه کردند و سخت ناراحت گشتند آیه سوم نازل گردید: و هو الذی یقبل التوبة عن عباده. پیامبر به سراغ آنها فرستاد و آنها را بشارت داد که توبه خالصانه آنان مقبول درگاه خدا است.

تفسیر:

مودت اهل بیت (علیه السلام) پاداش رسالت است

از آنجا که در آیه ۱۳ همین سوره سخن از تشریع دین از ناحیه پروردگار به وسیله پیامبران اولوالعزم بود در ادامه آن در نخستین آیه مورد بحث برای نفی تشریع دیگران، و اینکه هیچ قانونی در برابر قانون الهی رسمیت ندارد، و اصولاً حق قانونگذاری مخصوص خدا است می‌فرماید: «آیا آنها معبودانی دارند که دین و آئینی بی‌اذن خداوند برای آنان تشریع کرده‌اند» (ام لهم شرکاء شرعوا لهم من الدین ما لم یاذن به الله).

در حالیکه خالق و مالک و مدبر عالم هستی تنها او است، و به همین دلیل حق قانونگذاری نیز مخصوص ذات پاک او است، و هیچکس بدون اذن او نمی‌تواند در قلمرو تشریع او دخالت کند، بنابراین در برابر تشریع او هر چه باشد باطل است.

به دنبال آن با لحنی تهدیدآمیز به تشریع کنندگان باطل هشدار داده می‌گوید: «هر گاه فرمان حتمی خداوند دائر به مهلت دادن به اینگونه اشخاص

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۰۴

نبود در میان آنها داوری می‌شد» دستور عذابشان صادر می‌گشت و مجالی به آنها نمی‌داد (و لو لا كلمة الفصل لقضى بينهم). در عین حال آنها نباید این حقیقت را فراموش کنند که «برای ظالمان عذاب دردناکی است» (و ان الظالمين لهم عذاب اليم). منظور از «كلمة الفصل» مهلت مقرر است که خداوند به اینگونه افراد داده تا آزادی عمل داشته باشند و اتمام حجت بر آنها بشود. تعبیر به «ظالمین» درباره مشرکانی که عقیده به تشریعهائی در برابر قوانین الهی داشتند به خاطر وسعتی است که در مفهوم «ظلم» وجود دارد، و به هر کاری که در غیر موردش صورت گیرد اطلاق می‌گردد ظاهر این است که منظور از «عذاب الیم» عذاب روز قیامت است، چون این تعبیر در قرآن مجید معمولاً در این معنی به کار می‌رود، آیه بعد نیز گواه بر این حقیقت است، و اینکه بعضی از مفسران آن را اعم از عذاب دنیا و آخرت گرفته‌اند (مانند قرطبی) بعید به نظر می‌رسد. سپس به توضیح کوتاهی درباره «عذاب ظالمین» و توضیح بیشتری درباره «پاداش مؤمنان» در مقابل آنها، پرداخته، می‌گوید: «در آن روز ستمگران را می‌بینی که از اعمالی که انجام داده‌اند سخت بیمناکند، اما چه فایده که مجازات اعمالشان آنها را فرو می‌گیرد» (تری الظالمین مشفقین مما کسبوا و هو واقع بهم). «اما کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند در بهترین و سرسبزترین باغهای بهشت جای دارند» (و الذین آمنوا و عملوا الصالحات فی روضات الجنات). «روضات» جمع «روضة» به معنی محلی است که آب و درخت فراوان

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۰۵

دارد لذا به باغهای خرم و سرسبز «روضه» اطلاق می‌شود، از این تعبیر به خوبی استفاده می‌شود که باغهای بهشت متفاوت است، و مؤمنان صالح العمل

در بهترین باغهای بهشت جایشان است، و مفهوم این سخن این است که مؤمنان گنهکار هنگامی که مشمول عفو خدا شوند به بهشت راه می‌یابند هر چند جای آنها در «روضات» نیست.

اما فضل الهی درباره مؤمنان صالح العمل به همین جا ختم نمی‌شود، آنها چنان مشمول الطاف او هستند که «هر چه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنها فراهم است» (لهم ما يشاءون عند ربهم).

و به این ترتیب هیچ موازنه‌ای بین «عمل» و «پاداش آنها» وجود ندارد، بلکه پاداششان از هر نظر نامحدود است، چرا که جمله «لهم ما يشاءون» گویای همین حقیقت است.

و از آن جالبتر تعبیر «عند ربهم» (نزد پروردگارشان) می‌باشد که بیانگر لطف بی‌حساب خداوند درباره آنها است، چه موهبتی از این بالاتر که به مقام قرب خدا راه یابند؟ همانگونه که درباره شهداء می‌گوید: بل احياء عند ربهم يرزقون درباره مؤمنان صالح العمل نیز می‌فرماید: لهم ما يشاءون عند ربهم. بی‌جهت نیست که در پایان آیه می‌گوید «این است فضل بزرگ» (ذلک هو الفضل الکبیر).

بارها گفته‌ایم شرح نعمتهای بهشتی در بیان نمی‌گنجد، برای ما زندانیان جهان ماده قابل تصور نیست که بدانیم در جمله لهم ما يشاءون عند ربهم چه مفاهیمی گنجانیده شده؟ مؤمنان چه چیزها می‌خواهند؟ و درجوار قرب خداوند چه الطافی یافت می‌شود. اصولاً هنگامی که خداوند بزرگ چیزی را به عنوان فضل کبیر توصیف

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۰۶

کند پیداست به قدری عظمت دارد که هر چه فکر کنیم از آن بالاتر است. و به تعبیر دیگر این بندگان خالص کارشان بجائی می‌رسد که هر چه اراده کنند فراهم می‌شود، یعنی پرتوی از قدرت بی‌پایان پروردگار که انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون (یس - ۸۲) در وجودشان پیدا می‌شود، چه فضیلت و موهبتی از این بالاتر؟

در آیه بعد برای بیان عظمت این پاداش بزرگ می‌افزاید: «این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد» (ذلک الذی یشیر الله عباده الذین آمنوا و عملوا الصالحات). بشارت می‌دهد تا رنجهای طاعت و بندگی و مبارزه با هوای نفس و جهاد در

برابر دشمنان بر آنها سخت نیاید، و به آن پاداشهای عظیم توان و نیروی بیشتری در راههای پر فراز و نشیب زندگی برای رسیدن به رضای پروردگار پیدا کنند.

و از آنجا که ابلاغ این رسالت از سوی پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) گاه این توهم را ایجاد می کرد که او چه اجر و پاداشی در برابر رسالت خود از مردم می طلبد به دنبال این سخن به پیامبر دستور می دهد: «بگو: من هیچ اجر و پاداشی بر این موضوع از شما درخواست نمی کنم، جز اینکه ذوی القربای مرا دوست دارید»، (قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة فی القربی).

دوستی ذوی القربی چنانکه مشروحا بیان خواهد شد بازگشت به مسأله ولایت و قبول رهبری ائمه معصومین (علیه السلام) از دودمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می کند که در حقیقت تداوم خط رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ادامه مسأله ولایت الهیه است، و پر واضح است که قبول این ولایت و رهبری همانند نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سبب سعادت خود انسانها

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۰۷

است و نتیجه اش به خود آنها بازگشت می کند.

توضیح اینکه:

مفسران در تفسیر این جمله بحثهای فراوانی دارند و تفسیرهای مختلفی، که هرگاه با ذهن خالی از پیشداوریها به آنها نگاه کنیم می بینیم بر اثر انگیزه های مختلفی از مفهوم اصلی آیه دور شده اند، و احتمالاتی را برگزیده اند که نه با محتوای آیه سازگار است و نه با شأن نزول و سایر قرائن تاریخی و روایی. رویهمرفته چهار تفسیر معروف برای آیه وجود دارد.

۱ - همان که در بالا اشاره شد که منظور از ذوی القربی نزدیکان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و محبت آنها وسیله ای است برای قبول امامت و رهبری ائمه معصومین (علیه السلام) از دودمان آنحضرت، و پشتوانه ای بر ادای رسالت.

جمععی از مفسران نخستین، و تمام مفسران شیعه این معنا را برگزیده اند، و روایات فراوانی از طرف شیعه و اهل سنت در این زمینه نقل شده که بعدا به آن اشاره خواهیم کرد.

۲ - منظور این است که اجر و پاداش رسالت دوست داشتن اموری است که شما را به «قرب الهی» دعوت می کند.

این تفسیر را که جمعی از مفسران اهل سنت انتخاب کرده اند به هیچوجه با ظاهر آیه سازگار نیست، زیرا در این صورت معنی آیه چنین می شود که از شما می خواهیم که اطاعت الهی را دوست بدانید، و مودت آن را به دل بسپارید، در حالی که باید گفته شود من از شما اطاعت الهی را می خواهم (نه مودت اطاعت الهی).

بعلاوه در میان مخاطبین آیه کسی وجود نداشت که دوست ندارد به خدا نزدیک شود حتی مشرکان نیز علاقه داشتند که به خدا نزدیک شوند و اصولاً عبادت

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۰۸

بتها را وسیله ای برای این کار می پنداشتند.

۳ - منظور این است که شما بستگان خودتان را به عنوان پاداش رسالت دارید و صله رحم بجا آورید.

با این تفسیر هیچ تناسبی در میان رسالت و پاداش آن وجود ندارد، زیرا دوست داشتن بستگان خود چه خدمتی می تواند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده باشد؟ و چگونه ممکن است اجر رسالت قرار داده شود؟!

۴ - منظور این است که پاداش من این است که خویشاوندی مرا نسبت به خود محفوظ دارید، و بخاطر اینکه با اکثر قبایل شما رابطه خویشاوندی دارم مرا آزار ندهید (زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از طریق نسبی با قبایل قریش ارتباط داشت و از طریق سببی (ازدواج) با بسیاری از قبایل دیگر، و از طریق مادر با جمعی از مردم مدینه از قبیله بنی النجار، و از طرف مادر رضاعی به قبیله بنی سعد).

این تعبیر بدترین معنایی است که برای آیه شده است چرا که درخواست اجر رسالت از کسانی است که رسالت او را پذیرا شده اند، و هر گاه کسانی رسالت را پذیرا شوند دیگر نیازی به این بحثها نیست، آنها پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به عنوان فرستاده الهی احترام می گذارند، احتیاجی ندارد که به خاطر قرابت و خویشاوندیش او را محترم بشمرند، چرا که احترام ناشی از قبول رسالت ما فوق همه اینهاست، در واقع این تفسیر را باید از اشتباهات بزرگی شمرد که دامان بعضی از مفسران را گرفته و مفهوم آیه را به کلی مسخ کرده

است.

در اینجا برای اینکه به حقیقت محتوای آیه آشنا تر شویم بهترین راه آن است که از آیات دیگر قرآن کمک گیریم:

در بسیاری از آیات قرآن مجید می خوانیم: پیامبران می گفتند پاداشی از شما در برابر دعوت رسالت نمی خواهیم، و پاداش ما تنها بر پروردگار عالمیان است «ما اسئلكم عليه من اجر ان اجرى الا على رب العالمين».

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۰۹

و در مورد شخص پیامبر اسلام نیز تعبیرات مختلفی دیده می شود: در یکجا می گوید قل ما سئلتکم من اجر فهو لکم ان اجرى الا على الله: «بگو پاداشی را که از شما خواستم تنها به سود شما است اجر و پاداش من فقط بر خداوند است» (سبا - ۴۷).

و در جای دیگر می خوانیم: قل ما اسئلكم عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا: بگو من در برابر ابلاغ رسالت هیچگونه پاداشی از شما مطالبه نمی کنم، مگر کسانی که بخواهند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند. و بالاخره در مورد دیگری می گوید: قل ما اسئلكم عليه من اجر و ما انا من المتكلفين: «من از شما پاداشی نمی طلبم و چیزی بر شما تحمیل نمی کنم» (ص - ۸۶).

هرگاه این آیات سهگانه را با آیه مورد بحث در کنار هم بگذاریم نتیجه گیری کردن از آن آسان است: در یکجا به کلی نفی اجر و مزد می کند. در جای دیگر می گوید: من تنها پاداش از کسی می خواهم که راهی به سوی خدا می جوید. و در مورد سوم می گوید پاداشی را که از شما خواسته ام برای خود شماست. و بالاخره در آیه مورد بحث می افزاید: مودت در قربی پاداش رسالت من است، یعنی:

من پاداشی از شما خواسته ام که این ویژگیها را دارد: مطلقا چیزی نیست که نفعش عائد من شود، صد درصد به سود خود شما است، و چیزی است که راه شما را به سوی خدا هموار می سازد.

به این ترتیب آیا جز مساله ادامه خط مکتب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به وسیله رهبران الهی و جانشینان معصومش که همگی از خاندان او بوده اند امر دیگری می تواند

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۱۰

باشد؟ منتها چون مساله مودت پایه این ارتباط بوده در این آیه باصراحت آمده است.

جالب اینکه غیر از آیه مورد بحث در قرآن مجید در پانزده مورد دیگر کلمه «القربی» به کار رفته که در تمام آنها به معنی خویشاوندان و نزدیکان است با اینحال معلوم نیست چرا بعضی اصرار دارند که «قربی» منحصر در اینجا به معنی «تقرب الی الله» بوده باشد، و معنی ظاهر و واضح آن را که در همه جا در قرآن در آن به کار رفته است کنار بگذارند؟

این نکته نیز قابل توجه است که در پایان همین آیه مورد بحث می افزاید: «آن کس که عمل نیکی انجام دهد بر نیکی عملش می افزاییم، چرا که خداوند آمرزنده و شکرگزار است و به اعمال بندگان جزای مناسب می دهد» (و من یقترب حسنة نزد له فیها حسنا ان الله غفور شکور).

چه حسنه ای از این برتر که انسان خود را همیشه در زیر پرچم رهبران الهی قرار دهد، حب آنها را در دل گیرد، و خط آنها را ادامه دهد، در فهم کلام الهی آنجا که مسائل برای او ابهام پیدا کند از آنها توضیح بخواهد، عمل آنها را معیار قرار دهد، و آنها را الگو و اسوه خود سازد.

روایاتی که در تفسیر این آیه آمده است

شاهد گویای دیگر برای تفسیر فوق اینکه روایات فراوانی در منابع اهل سنت و شیعه از شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که نشان می دهد منظور از «قربی» اهل بیت و نزدیکان و خاصان پیامبرند، به عنوان نمونه:

۱ - احمد در فضائل الصحابه با سند خود از سعید بن جبیر از عامر چنین نقل می کند: لما نزلت قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی قالوا: یا رسول الله من قرابتک؟ من هؤلاء الذین وجبت علینا مودتهم؟ قال: علی و فاطمه و ابناهما (علیهم السلام) و قالها ثلاثا: «هنگامی که آیه «قل

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۱۱

لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» نازل شد اصحاب عرض کردند ای رسول خدا! خویشاوندان تو که مودت آنها بر ما واجب است کیانند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزند آن دو، این سخن را سه بار تکرار فرمود!

۲ - در «مستدرک الصحیحین» از امام علی بن الحسین (علیه السلام) نقل شده که وقتی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به شهادت رسید، حسن بن علی (علیه السلام) در میان مردم خطبه خواند که بخشی از آن این بود: انا من اهل

البيت الذین افترض الله مودتهم على کل مسلم فقال تبارک و تعالیٰ لنبيه (صلی الله علیه و آله و سلم) قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی و من یقترب حسنة نزد له فیها حسنا فاقتراف الحسنة مودتنا اهل البيت: «من از خاندانی هستم که خداوند مودت آنها را بر هر مسلمانی واجب کرده است، و به پیامبرش فرموده: قل لا اسئلكم... منظور خداوند از اکتساب حسنه مودت ما اهل بیت است».

۳ - «سیوطی» در «الدر المنثور» در ذیل آیه مورد بحث از مجاهد از ابن عباس نقل کرده که در تفسیر آیه «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» گفت: ان تحفظونی فی اهل بیتی و تودوهم بی: «منظور این است که حق مرا در اهل بیتم حفظ کنید، و آنها را به سبب من دوست دارید».

و از اینجا روشن می شود آنچه از ابن عباس بطریق دیگر نقل شده که منظور عدم آزار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به خاطر قرابتش باقبائل مختلف عرب بوده مسلم نیست، زیرا چنانکه دیدیم مخالف آن نیز از ابن عباس نقل شده است.

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۱۲

۴ - «ابن جریر طبری» در تفسیرش با سند خود از «سعید بن جبیر» و با سند دیگری از «عمر بن شعیب» نقل می کند که منظور از این آیه، هی قربی رسول الله (نزدیکان رسول خدا می باشد).

۵ - مرحوم طبرسی مفسر معروف از «شواهد التنزیل» حاکم حسانی که از مفسران و محدثان معروف اهل سنت است از ابی امامه باهلی چنین نقل می کند: پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ان الله خلق الانبیاء من اشجار شتی، و انا و علی (علیه السلام) من شجرة واحدة، فانا اصلها، و علی (علیه السلام) فرعها، و فاطمة (علیه السلام) لقاحها، و الحسن و الحسین ثمارها، و اشیاعنا و اوراقها - تا آنجا که فرمود - لو ان عبدا عبد الله بین الصفا و المروة الف عام، ثم الف عام، ثم الف عام، حتی یصیر کالشن البالی، ثم لم یدرک محبتنا کبه الله علی منخریه فی النار، ثم تلا: قل لا اسئلكم علیه اجرا:

«خداوند انبیاء را از درختان مختلفی آفرید، ولی من و علی (علیه السلام) را از درخت واحدی، من اصل آنم، و علی شاخه آن، فاطمه موجب باروری آن است، و حسن حسین میوه های آن، و شیعیان ما برگ های آنند... سپس افزود: اگر

کسی خدا را در میان صفا و مروه هزار سال، و سپس هزار سال، و از آن پس هزار سال، عبادت کند، تا همچون مشک کهنه شود، اما محبت ما را نداشته باشد خداوند او را به صورت در آتش می افکند، سپس این آیه را تلاوت فرمود: قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى».

جالب این که این حدیث آن چنان اشتها یافته بود که شاعر معروف کمیت در اشعارش به آن اشاره کرده، می گوید:

وجدنا لكم في آل حاميم آية

تاولها منا تقى و معرب

ما برای شما (خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در سوره های حامیم آیه ای یافتیم.

که گروه تقیه کننده آن را تاویل کرده، و گروه آشکار کننده آن را آشکارا بیان کرده اند.

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۱۳

۶ - و نیز سیوطی در «الدر المنثور» از ابن جریر از ابی الدیلم چنین نقل می کند: هنگامی که علی بن الحسین (علیهما السلام) را به اسارت آوردند، و بر دروازه دمشق نگه داشتند، مردی از اهل شام گفت: الحمد لله الذی قتلکم و استاصلکم! «خدا را شکر که شما را کشت، و ریشه کن ساخت!

علی بن الحسین (علیهما السلام) فرمود: آیا قرآن را خوانده ای؟ گفت آری، فرمود: سوره های حامیم را خوانده ای، عرض کرد نه، فرمود آیا این آیه را نخوانده ای قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى؟!

گفت: آیا شما همانها هستید که در این آیه اشاره شده؟ فرمود: آری.

۷ - «زمخشری» در «کشاف» حدیثی نقل کرده که فخر رازی و قرطبی نیز در تفسیرشان از او اقتباس کرده اند: حدیث مزبور به وضوح مقام آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهمیت حب آنها را بیان می دارد، می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

من مات علی حب آل محمد مات شهيدا.

الا و من مات علی حب آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مغفورا له.

الا و من مات علی حب آل محمد مات تائبا.

الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمنا مستکمل الايمان.

الا و من مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنة ثم منکر و نکیر.

الا و من مات على حب آل محمد يزف الى الجنة كما تزف العروس الى بيت زوجها.

الا و من مات على حب آل محمد فتح له في قبره بابان الى الجنة.
الا و من مات على حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة.
الا و من مات على حب آل محمد مات على السنة و الجماعة.

تفسير نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۱۴

الا و من مات على بغض آل محمد جاء يوم القيامة مكتوب بين عينيه آيس من رحمة الله

الا و من مات على بغض آل محمد مات كافرا.

الا و من مات على بغض آل محمد لم يشم رائحة الجنة:

«هر کس با محبت آل محمد بمیرد شهید از دنیا رفته».

«آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رود بخشوده است».

«آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رود با توبه از دنیا رفته».

«آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رود مؤمن کامل الایمان از دنیا رفته».

«آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رود فرشته مرگ او را بشارت به بهشت می دهد، و سپس منکر و نکیر (فرشتگان مامور سؤال در برزخ) به او بشارت دهند».

«آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رود او را با احترام به سوی بهشت می برند آنچنانکه عروس به خانه داماد».

«آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رود در قبر او دو در به سوی بهشت گشوده می شود».

«آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رود قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار می دهد».

«آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رود بر سنت و جماعت اسلام از دنیا رفته».

«آگاه باشید هر کس با عداوت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رود روز قیامت در حالی وارد عرصه محشر می شود که در پیشانی او نوشته

شده: مایوس از رحمت خدا!))
«آگاه باشید هر کس با بغض آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا
برود کافر از دنیا رفته»!

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۱۵

«آگاه باشید هر کس با عداوت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا
برود بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد».)
جالب اینکه فخر رازی بعد از ذکر این حدیث شریف که صاحب کشف آن را به
صورت ارسال مسلم ذکر کرده است می افزاید:
آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) کسانی هستند که بازگشت امرشان به
او است، کسانی که ارتباطشان محکمتر و کاملتر باشد آل محسوب می شوند، و
شک نیست که فاطمه و علی و حسن و حسین محکمترین پیوند را با رسول
خدا داشتند، و این از مسلمات و مستفاد از احادیث متواتر است، بنابراین لازم
است که آنها را آل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بدانیم.
سپس می افزاید: گروهی در مفهوم آل اختلاف کرده اند، بعضی آنها
را خویشاوندان نزدیک پیامبر می دانند، و بعضی گفته اند آنها امت پیامبرند،
اگر این واژه را بر معنی اول حمل کنیم آل پیامبر تنها آنها هستند، و اگر به
معنی امت که دعوت او را پذیرفتند بدانیم باز هم خویشاوندان نزدیک رسول
خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آل او محسوب می شوند، بنابراین به هر تقدیر
آنها آل هستند و اما غیر آنها در لفظ «آل» داخلند یا نه؟ محل اختلاف است.
سپس فخر رازی از صاحب کشف چنین نقل می کند: «وقتی این آیه نازل شد
عرض کردند «ای رسول خدا! خویشاوندان تو کیانند که مودتشان بر ما واجب
است»؟ فرمود: «علی و فاطمه و دوفرزندان».)
بنابراین ثابت می شود که این چهار تن ذی القربای پیغمبرند و هنگامی که این
معنی ثابت شد واجب است از احترام فوق العاده ای برخوردار باشند.
فخر رازی می افزاید: دلائل مختلفی بر این مساله دلالت می کند:

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۱۶

- ۱ - جمله «الا المودة فی القربی» که طرز استدلال به آن بیان شد.
- ۲ - شک نیست که پیامبر فاطمه را دوست می داشت و درباره او
فرمود: «فاطمة بضعة منی يؤذینی ما يؤذیها»: «فاطمه پاره تن من

است آنچه او را آزار دهد مرا آزار داده است!! و با احادیث متواتر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ثابت شده که او علی و حسن و حسین را دوست می داشت، و هنگامی که این معنی ثابت شود محبت آنها بر تمام امت واجب است چون خداوند فرموده: و اتبعوه لعلکم تهتدون: «از او پیروی کنید تا هدایت شوید» و نیز فرموده: فلیحذر الذین یخالفون عن امره: «کسانی که فرمان او را مخالفت می کنند از عذاب الهی بترسند» و نیز فرموده: قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله: «بگو اگر خدا را دوست می دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست دارد و نیز فرموده لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة: «برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود».

۳ - دعای برای «آل» افتخار بزرگی است و لذا این دعا خاتمه تشهد در نماز قرار داده شده: اللهم صل علی محمد و علی آل محمد، و ارحمهم محمدا و آل محمد، و چنین تعظیم و احترامی در حق غیر آل دیده نشده است، بنابراین همه این دلائل نشان می دهد که محبت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) واجب است.

سرانجام فخر رازی سخنان خود را در این مسأله با اشعار معروف شافعی پایان می دهد:

یا را کبا قف بالمحصب من منی

و اهتف بساکن خیفها و الناهض

سحرا اذا فاض الحجیج الی منی

فیضا کما نظم الفرات الفاض.

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۱۷

ان کان رفضا حب آل محمد:

فلیشهد الثقلان انی رافضی!!

«ای سواری که عازم حج هستی! در آنجا که در نزدیکی منی ریگ برای رمی جمرات جمع می کنند و مرکز بزرگ اجتماع زائران خانه خداست بایست، و فریاد بزن به تمام کسانی که در مسجد خیف مشغول عبادتند و یا در حال حرکت می باشند.

فریاد بزن به هنگام سحرگاه که حاجیان از مشعر به سوی منی کوچ می کنند و همچون نهری عظیم و خروشان وارد سرزمین منی می شوند.

آری فریاد بزن و بگو: اگر محبت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رفض و ترک است، همه جن و انس شهادت دهند که من رافضیم!!
 آری این است مقام آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) که ما به دامانشان چنگ زده ایم و آنها را رهبر خویش و راهنمای دین و دنیا پذیرفته ایم، الگو و اسوه خویش می دانیم و تداوم خط نبوت را با امامت آنها می بینیم.
 البته غیر از احادیث فوق روایات فراوان دیگری در منابع اسلامی نقل شده که از نظر رعایت اختصار و قناعت به جنبه های تفسیری به هفت روایت فوق اکتفا کردیم، ولی ذکر این نکته را مناسب می دانیم که در بعضی از منابع کلامی مانند «احقاق الحق» و شرح مبسوط آن، حدیث معروف فوق در مورد تفسیر آیه قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القری از حدود پنجاه کتاب از کتب اهل سنت نقل شده است که نشان می دهد تا چه اندازه نقل این روایت گسترده و مشهور بوده است قطع نظر از منابع فراوانی که از طرق اهل بیت این حدیث را نقل می کند.

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۱۸

نکته ها:

۱ - سخنی با مفسر معروف «آلوسی»

در اینجا سؤالی برای جمعی مطرح است که آلوسی مفسر معروف در روح المعانی آن را به صورت ایرادی بر شیعه مطرح کرده، و ما آن را به صورت یک سؤال در اینجا عنوان کرده، مورد بررسی قرار می دهیم، خلاصه کلام او چنین است: بعضی از شیعه آیه را در مقام استدلال بر امامت علی (علیه السلام) ذکر کرده اند و گفته اند علی (علیه السلام) واجب المحبة است، و هر واجب المحبتی واجب الطاعة است، و هر واجب الطاعة دارای مقام امامت است، و از آن نتیجه گرفته اند که علی (علیه السلام) دارای مقام امامت می باشد و آیه را دلیل بر این موضوع شمردند.

اما سخن آنها از چند جهت قابل ایراد است.

اولا استدلال به آیه بر وجوب محبت فرع بر این است که آیه را به معنی محبت خویشاوندان پیامبر بدانیم، در حالی که جمع کثیری از مفسران این تفسیر را نپذیرفته اند، و گفته اند این مناسب مقام نبوت نیست، زیرا پیامبر را متهم می سازد، چه اینکه شبیه کار دنیاپرستانی است که فعالیت هائی را شروع می کنند، سپس منافعی در برابر آن برای فرزندان و بستگان خود مطالبه

می‌نمایند بعلاوه با آیه و ما تسئلهم علیه من اجر (توپاداشی از آنها مطالبه نمی‌کنی) (یوسف - ۱۰۴) منافات دارد.

ثانیا قبول نداریم که وجوب محبت دلیل بر وجوب اطاعت است، لذا این بابویه در کتاب اعتقادات می‌گوید: امامیه اتفاق دارند که محبت علویین لازم است در حالی که همه را واجب الاطاعت نمی‌دانند!

ثالثا قبول نداریم که هر شخص واجب الاطاعه‌ای دارای مقام امامت یعنی زعامت کبری باشد، والا هر پیامبری در زمان خود دارای چنین مقامی بود، در

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۱۹

حالی که در داستان طالوت می‌خوانیم که او امام جمعیت شد در حالی که پیامبری نیز در آن زمان وجود داشت.

رابعا آیه اقتضا می‌کند تمام اهل بیت واجب الاطاعة باشند، و به همین دلیل باید همه امام باشند، در حالی که امامیه چنین عقیده‌ای ندارند.

تحلیل و بررسی

با برداشتی که از آیه مورد بحث طبق قرائن فراوان و محکم موجود در آیه و سایر آیات قرآن داشتیم پاسخ بسیاری از این ایرادات روشن می‌شود: زیرا گفتیم این محبت امر ساده‌ای نیست، این به عنوان پاداش نبوت و اجر رسالت است، طبعا باید مطلبی هموزن و همشان آن باشد، تا بتواند پاداش آن قرار گیرد.

از سوی دیگر آیات قرآن گواهی می‌دهد سود این محبت چیزی نیست که به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برگردد، بلکه نتیجه آن صد درصد عائد خود مؤمنان می‌شود یا به تعبیر دیگر این یک امر معنوی است که در تکامل هدایت مسلمانان مؤثر است.

به این ترتیب گرچه از آیه چیزی جز مساءله وجوب محبت استفاده نمی‌شود اما با قرائنی که ذکر شد این وجوب محبت سر از مساءله امامت که پشتوانه مقام نبوت و رسالت است در می‌آورد.

با توجه به این توضیح کوتاه به بررسی ایرادات فوق می‌پردازیم:

اولا - اینسکه بعضی از مفسران آیه را به مودت اهل بیت تفسیر نکرده‌اند باید قبول کرد که پیشداوریها و رسوبات ذهنی مانع از این امر بوده فی‌المثل جمعی از آنها «قربی» را به معنی «تقرب به پروردگار» تفسیر کرده‌اند!

در حالی که در تمام آیات قرآن هر موردی این کلمه به کاررفته به معنی

و یا اینکه جمعی آن را به معنی خویشاوندی پیامبر با قبایل عرب تفسیر کرده‌اند، در حالی که این تفسیر نظام آیه را به کلی به هم می‌ریزد، اجر رسالت را از کسی مطالبه می‌کنند که رسالت را پذیرفته، و کسی که رسالت پیامبر را بپذیرد چه نیازی دارد که خویشاوندی او را با خود در نظر گیرد، و از آزار او چشم‌پوشد؟

علاوه بر این روایات زیادی که آیه را به ولایت اهل بیت پیامبر تفسیر می‌کند چرا کنار بگذاریم؟!

بنابراین باید قبول کرد که این گروه از مفسران هرگز با ذهن خالی به تفسیر آیه نپرداخته‌اند و وگرنه مطلب پیچیده‌ای در آن وجود ندارد. و از اینجا روشن می‌شود که تقاضای چنین پاداشی نه با مقام نبوت منافات دارد، و نه همچون راه و رسم دنیا پرستان است، و با آیه ۱۰۴ سوره یوسف که نفی هر گونه پاداش می‌کند نیز کاملاً هماهنگ است، چرا که پاداش مودت اهل بیت در حقیقت پاداشی نیست که پیامبر از آن منتفع گردد بلکه خود مسلمین از آن بهره‌مند می‌شوند.

ثانیا - درست است وجوب محبت ساده هرگز دلیل بر وجوب اطاعت نیست اما وقتی در نظر بگیریم که این محبتی است که متناسب هم‌طور از رسالت قرار داده شده، یقین پیدا می‌کنیم که وجوب اطاعت نیز در آن نهفته است، و از اینجا روشن می‌شود که گفتار ابن بابویه (صدوق) نیز منافاتی با آنچه گفتیم ندارد.

ثالثا - درست است که هر وجوب اطاعتی دلیل بر مقام امامت و زعامت کبری نیست، ولی باید توجه داشت وجوب اطاعتی که پاداش رسالت و متناسب با آن است جز امامت نمی‌تواند باشد.

رابعا - امام به معنی رهبر - در هر عصری یک تن بیشتر نمی‌تواند باشد، و بنابراین امامت همه اهل بیت معنی نخواهد داشت بعلاوه نباید نقش روایات را در

قابل توجه اینکه آلوسی شخصا اهمیت زیادی برای مودت اهل بیت قائل شده، و در چند خط پیش از بحث فوق می‌گوید: حق این است که محبت خویشاوندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بخاطر قرابتشان با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) واجب است، و هر قدر قرابت قویتر باشد محبت و جوب بیشتری دارد، و سرانجام می‌گوید: آثار این مودت تعظیم و احترام و قیام به اداء حقوق اقربای پیغمبر است، در حالی که بسیاری از مردم در این امر سستی کرده‌اند تا آنجا که محبت قرابت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را یکنوع رافضی‌گری شمرده‌اند ولی من چنین نمی‌گویم، بلکه همان می‌گویم که شافعی در آن کلام جالب و گویای خود گفته است.

سپس اشعاری را که در بالا از شافعی نقل کردیم ذکر کرده، می‌افزاید: با این حال من معتقد به خروج از اعتقادات بزرگان اهل سنت در مورد صحابه نیستم، و محبت آنها را نیز از واجبات می‌شمرم.

۲- کشتی نجات!

«فخر رازی» در ذیل این بحث نکته‌ای را نقل کرده و آن را پسندیده است و «آلوسی» در روح المعانی نیز آن را به عنوان «نکته‌ای لطیف» به نقل از فخر رازی آورده، نکته‌ای که فکر می‌کنند از طریق آن بعضی از تضادها برطرف می‌گردد، و آن اینکه: پیغمبر گرامی اسلام از یکسو فرموده است: مثل اهل بیستی کمثل سفینه نوح من ركب فیها نجی: «مثل اهل بیت من همچون کشتی نوح است هر کس سوار بر آن شود نجات می‌یابد».

و از سوی دیگر فرموده است: اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم: «اصحاب من همچون ستارگان آسمانند به هر کدام اقتدا کنید هدایت می‌یابید»

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۲۲

و ما الان در اقیانوس تکلیف گرفتاریم، و امواج شبهات و شهوات ما را از هر سو در هم می‌کوبد، و آنکس که می‌خواهد از دریا عبور کند احتیاج به دو امر دارد یکی کشتی است که خالی از هر عیب و نقص باشد، و دیگری ستارگان پر فروغ درخشنده‌ای است که مسیر را به او نشان دهد، هنگامی که انسان سوار بر کشتی شود، و چشم بر ستارگان درخشان بدوزد امید نجات وجود دارد، همچنین هر کس از اهل سنت بر کشتی محبت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) سوار گردد، و چشم به ستارگان اصحاب دوزد امید است که خداوند

او را به سلامت و سعادت در دنیا و آخرت برساند.
ولی ما می‌گوئیم این تشبیه شاعرانه گرچه زیبا است اما دقیق نیست، چرا که
اولا کشتی نوح مرکب نجات بود و در آن روز که همه جای جهان را امواج
خروشان آب فرا گرفته بود، دائما در گردش بود بی آنکه مانند کشتیهای
معمولی مقصدی داشته باشد که به سوی آن مقصد به کمک ستارگان حرکت
کند.

مقصد خود کشتی بود، و نجات از غرقاب، تا فرو نشستن آب و قرار گرفتن
کشتی بر کنار کوه جودی.
ثانیا - در بعضی از روایات که در کتب برادران اهل سنت نقل شده از پیغمبر
گرامی اسلام چنین آمده است: النجوم امان لاهل الارض من الغرق و اهل بیتی
امان لامتی من الاختلاف فی الدین «ستارگان امان برای اهل زمینند از غرق
شدن و اهل بیت من امان امتند از اختلاف در دین».

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۲۳

۳ - تفسیر و من یقترف حسنة...

«اقتراف» در جمله «و من یقترف حسنة نزد له فیها حسنة» هر کس
حسنة‌ای را کسب کند ما بر حسن آن می‌افزائیم» در اصل از «قرف» (بر
وزن حرف) به معنی کندن پوست اضافی از درخت یا پوستهای اضافی از زخم
است که گاه مایه پیراستن و بهبودی می‌گردد، این کلمه بعدا در اکتساب به
کار رفته اعم از اینکه اکتساب خوبی باشد یا بدی.
ولی به گفته راغب این واژه در بدیها بیش از خوبیها به کار می‌رود هر چند در
آیه مورد بحث در خوبیها به کار رفته).
لذا ضرب المثلی در عرب معروف است که می‌گویند: الاعتراف یزیل الاقتراف
«اعتراف به گناه، گناه را از بین می‌برد».
جالب اینکه در بعضی از تفاسیر از ابن عباس و یکی دیگر از مفسران نخستین
بنام «سدی» نقل شده که منظور از «اقتراف حسنة» در آیه شریفه
مودت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است.
در حدیثی که سابقا از امام حسن بن علی (علیهما السلام) نقل کردیم نیز آمده:
اقتراف الحسنه مودتنا اهل البيت: «منظور از بدست آوردن حسنة مودت ما
اهل بیت است» روشن است که منظور از اینگونه تفاسیرها محدود بودن معنی
اکتساب حسنة به مودت اهل بیت نیست، بلکه معنی وسیع و گسترده‌ای دارد

ولی از آنجا که این جمله به دنبال مسأله مودت ذی القربی آمده است
روشنترین مصداق اکتساب حسنه همین مودت است.

۴ - این چند آیه مدنی است

این سوره (سوره شوری) چنانکه در آغاز گفتیم از سوره‌های مکی است

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۲۴

ولی جمعی از مفسران معتقدند که این چهار آیه (آیه ۲۳ تا ۲۶) در مدینه نازل شده است، و شاء نزولی که در آغاز تفسیر این آیات نقل کردیم گواه بر این معنی است، روایاتی که اهل بیت را به علی (علیه السلام) و فاطمه و دو فرزندان آنها امام حسن و امام حسین تفسیر می‌کند نیز مناسب همین معنی است، زیرا می‌دانیم ازدواج علی (علیه السلام) و بانوی اسلام در مدینه انجام گرفت، و تولد حسن و حسین (علیهما السلام) در سالهای سوم و چهارم هجری طبق نقل معروف بوده است.

